

حتی توجیهی برای نابسامانیهای اقتصادی تلقی می‌کنند. براین اساس معمولاً خواستار مهارهای اجتماعی وسیعتری، از جمله اخراج و بازگرداندن آنان به اوطان خویش، می‌شوند.

نمونه‌هایی از این امر همه جا فراوان است. برطبق سیاستی که اخیراً پس از کاهش بهای نفت، در نیجریه اتخاذ شده مهاجران و به ویژه کارگران فاقد مدرک اجباراً باید از آن کشور اخراج شوند. در فرانسه یک از احزاب سیاسی با پیوند دادن میان مهاجرت و بیکاری به استحکام موقعیت خویش پرداخته است. این امر باعث پدید آمدن نهضت فعال ضد نژاد پرستانه‌ای تحت عنوان برادرانه Touche pas à mon pote (به رفیق دست نزن)، شده است. که در جلب توجه آراء عامه و تبیین و توجیه نظر گروه‌های مختلفی که با نژاد پرستی و شکستن تمام کاسه کوزه‌ها به گردن مهاجران مخالفند، موفق بوده است. در

انگلستان، عکس‌العمل مهاجران جزایر کارائیب و آسیا نسبت به شدت عمل و تبعیض نژادی سازماندهی بیشتر افراد و شرکت گسترده‌تر در امور محلی و نیز فعالیتهای اتحادیه‌های کارگری بوده است.

سرانجام، این سؤال پیش می‌آید که موضع قانونی مهاجران و کارگران مهاجر در ممالکی که به کار اشتغال دارند چیست؟ یونسکو نسبت به این مسأله نیز علاقمند بوده است. تجربه نشان داده که موضع قانونی آنها، نظیر موضع اقتصادی - اجتماعیشان، به طور کلی متزلزل و غالباً منوط به تشخیص و میل مقامات اداری است. علاوه بر این در دوره‌های رکود اقتصادی موضع قانونی ایشان نیز می‌تواند مورد تجدیدنظر قرار گیرد. وضع مهاجران از جزایر کارائیب و آسیا در انگلستان نمونه‌ای از این نوع رفتار است. در این کشور تعدادی قوانین مهاجرت، که نخستین آنها قانون مهاجرت از

کشورهای مشترک‌المنافع مصوب سال ۱۹۶۲ است، شرایط ورود و نیز حق ورود عایله تحت تکفل، من جمله همسران، را بسیار محدود کرده است. این مطلب در مورد برخی از کشورهای وارد کننده نیروی کار در آسیای غربی نیز که دست به اقداماتی مشابه زده‌اند صادق است. اعطای حقوق مدنی به مهاجران تحت کنترل دقیق است. مثلاً حق شرکت در انتخابات در چندین کشور پذیرنده به صورت موضوعی، چنانچه بر انگیز باقی است. ■

رونالد جی. پاریس متخصص عمران و توسعه در بخش علوم اجتماعی و انسانی یونسکو است. وی قبلاً استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه نیویورک و دانشگاه و اندریلت و رئیس دانشکده هنرها و علوم دانشگاه ویسجینیا یونیون در ایالات متحده بوده است. پاریس مؤلف چندین نشریه در زمینه مسائل مهاجرت است.

مهاجرت در داخل افریقا

اغلب مهاجران از اهالی نواحی روستایی و کشورهای کم درآمدی که به دریا راه ندارند نظیر بورکینا فاسو (ولتای علیای سابق) و مالی هستند. در ۱۹۷۵ حدود ۱۷ درصد از جمعیت بسورکینا فاسو در خارج از کشور می‌زیستند. طی سه دهه اخیر، مقصد مهاجران براساس ثروت نسبی نواحی ساحلی و سیاستهای مهاجرتی ایشان در حال تغییر بوده است. غنا که در اواخر دهه ۱۹۵۰ - ۶۰ و اوایل ۱۹۶۰ - ۷۰ مطلوبترین مقصد به شمار می‌رفت پس از رکودی که در اقتصادش رخ داد جای خود

دوالگوی مهاجرت کارگری بین‌المللی در قسمت جنوبی صحرای افریقا وجود دارد. اولین و مهمترین آن در افریقای غربی است. در ۱۹۷۵ در نه کشور ۲/۸ میلیون تن خارج از کشور محل تولد خویش می‌زیستند. مهاجرت به نقاط دور در افریقای غربی تاریخی طولانی دارد که با حرکت تمام افراد دهکده یا قبیله که از بیم جنگ یا قحطی به راه می‌افتادند آغاز می‌شود. بعداً استعمارگران کارگران را اغلب به زور به غنا و ساحل عاج می‌آوردند. امروزه نابرابری در امکانات اشتغال در منطقه، خشکسالی، و سیاست‌های باز در بسیاری از کشورها مهاجرت داوطلبانه را تداوم می‌بخشند. از این گذشته، با سطح زاد و ولدی بالای ۴۵ در ۱۰۰۰ در تمام افریقای غربی شمار مهاجرات احتمالاً افزایش خواهد یافت. مهاجرت با قصد سازگشت و مسافرت میان کشورها نیز رواج دارد

روستائیان مالی که در طلب کار و زندگی بهتر عازم شهراند در کامیونی سوار شده‌اند که بار آن گدوی کسکولی است.

را به ساحل عاج و نیجریه داد و در ۱۹۶۹ دولت تمام خارجیانی را که فاقد اجازه اقامت بودند اخراج کرد. در ۱۹۸۳ نیجریه هم سیاستی مشابه در پیش گرفت. جریان مهاجرت دیگری که بسیار کوچکتر است به سوی افریقای جنوبی است. معادن افریقای جنوبی حدود یک قرن است که از ممالک همسایه کارگرانی را براساس قراردادهای کوتاه مدت استخدام می‌کنند. جریان مهاجران بین‌المللی سالانه بالغ بر ۲۵۰/۰۰۰ نفر می‌شود و در سالهای اخیر این تعداد نسبتاً ثابت مانده است. ولی مبدأ مهاجران تغییر کرده است. تعداد کسانی که از ملاوی و موزامبیک می‌آیند کمتر شده و بیشتر از بوتسوانا، لسوتو و سوازیلند می‌آیند. ■

منبع: گزارشهای مربوط به جمعیت، مسائل خاص، شماره ۷، سپتامبر - اکتبر ۱۹۸۳، دانشگاه جانهاپکینز، بالتیمور، امریکا.

